



زینب

برای فردای نیامده

روز اول صفر است در سال ۶۱ هجری. صبورترین بانوی زمان چه دیده‌است؟ برای آرام کردن کودکان کوچک چه اندیشیده‌است و با چه مصائبی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند؟ ما روایت‌هایی را می‌دانیم از مقاتل و گزارش‌های تاریخی، اما اینکه بر زینب^(ص) بزرگوار چه رفته است، غیر از خدای شاهد و واحد هیچ فردی نمی‌داند. در کاروان اسرا گوهر وجود امام‌سجاد، زین‌العابدین^(ع)، در سختی و بیماری است، بنابراین برای امتداد مسیر نورانی امامت، حضرت زینب^(ص) چاره‌اندیشی می‌کند. در جای‌جای مسیر به هر بهانه، دشمنان خواسته‌اند که فرزند حسین^(ع) را به شهادت برسانند و زینب^(ص) خواست خداوند در حفظ و نگهداری مسیر رسالت الهی را برعهده داشته‌است. امروز اول صفر است، کاروان اسرا به شام وارد می‌شوند و وای از شام!

چه بر سر این شهر آورده‌است یزید؟ آدین بسته، به جشن آراسته‌است و مہیای شادی و هلهله‌است شام، برای‌که؟ برای کاروانی از دشمنان، و شهر چه می‌داند که چه خواهد دید؟

اهل بیت سیدالشهدا^(ع) در راه، توان از دست داده، داغ دیده و خسته‌اند و مصائبی بر آنان رفته‌است که شما را تنها به اشاره‌ای می‌گویم که در وقت ورود به شهر، زنان با وجود ترس از یزید، با صدای بلند بر کاروان اسرا گریستند و ناله‌سر دادند. ما مسلمانان پیامبرن‌دیده، ما مسلمانانی‌که از راه دور بر خاندان اهل بیت^(ع) عاشق شده‌ایم، چه می‌توانیم برای درک بهتر بزرگان دین خود انجام بدهیم؟ ماه‌های سال را باید غنیمت شمرد. از کارهایی که در ماه پیش‌رو یعنی صفر، می‌توانیم تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود داشته‌باشیم، بتوانیم تصمیم مناسبی بگیریم. در روز اول صفر در مجلس یزید، آن ناپاک روزگار، وی در جمع به امام‌سجاد^(ع) رو کرد و گفت: «ای پسر حسین! پدرت پیوند خویشاوندی ما را برید و حق ما را زیر پا گذاشت و با من درباره سلطنت به جنگ پرداخت. درنتیجه خدا با او چنین معامله‌ای کرد که اکنون مشاهده می‌کنی».

امام‌سجاد^(ع) در جواب آن بی‌شرم، این آیه از قرآن کریم را تلاوت فرمودند که: «ما اصاب من مُصِیْبَةٍ فی الْاَرْضِ وَلَا فی اَنْفُسِکُمْ اِلَّا فِی کِتَابٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ تُبْرَاها، هیچ بلا و ناگواری در روی زمین و در جان‌هایتان به شما نمی‌رسد، مگر آنکه پیش از این، ما آن را در کتاب مقدرات ثبت کردیم. همانا این کار برای خدا آسان است». گوهر امامت، جان حضرت زینب^(ص)، با جواب خود، یزید را در مجلس خودش به خواری و ذلت افکند.

برای ما در روزبه‌روز ماه صفر عبرت است. مناسبت‌های غم‌انگیز زیادی را در این ماه پیش‌رو داریم، چه به‌عنوان یک مسلمان، چه به‌عنوان یک شیعه و در هر مقامی برای ورود به این ماه آماده می‌شویم، برخی با کُتار گذاشتن صدقه، برخی با آماده کردن دیگ و پایه‌ها و کتیبه‌ها و بعضی با کوله‌پشتی و کفش‌های پیاده‌روی‌شان، ان‌شاء... خدای متعال برای همه ما بخواهد که به‌خوبی از پس عزای بزرگ این ماه برآییم.



آخرین تصمیم

برای نوشتن درباره خاندان رسول...^(ص) به‌خصوص امام‌حسین^(ع)، دست‌ودل آدم می‌لرزد که نکند چیز بیهایی بگویم، نکند شان و قدر آن اتفاق در کلام نارسای من ننشیند و هزار فکر دیگر، به کمک احادیث سعی می‌کنم از افرادی که در واقعه کربلا حضور داشته‌اند، به‌خوبی و روشنی نام ببرم. در روایت امروز به‌سراغ حدیثی از رسول خدا^(ص) می‌رویم که می‌فرمایند: «هرگاه خداوند درباره بنده‌ای اراده خیر کند، او را پیش از مرگ، پاک و پاکیزه می‌کند، گفته شد چگونه بنده را پاک می‌کند؟ فرمودند: «عمل صالحی به او الهام می‌کند(که او بر آن مداومت کند) تا زمانی که از دنیا برود».

این حدیث را که خواندم، یاد کسانی چون او افتادم، فردی که می‌شد حالا او را لعن کنند، بله، این حدیث مرا یاد تو انداخت. می‌شد تا ابد در آتش کشتن خاندان رسول...^(ص) بسوزی. می‌شد هیچ‌وقت از لشکر عمر بن‌سعد جدا نشوی. همه این‌ها می‌شد اگر تو پشیمان نمی‌شدی!

اما تو بازگشتی...

بی‌شک از ترس جانت نبود، چون تو در جنگ‌های بسیار شرکت کرده بودی و هرکدام از آن‌ها می‌توانست آخرین جنگ تو باشد. فردی که بیم جان دارد، به جنگ نمی‌رود، مثلاً جنگ قادسیه وقتی داشتی با سردار سپاه مقابل، تن‌به‌تن می‌جنگیدی و ترسی نداشتی، چون شجاعتت، زبانزد بود. تو می‌دانستی با وجود لشکر اندک حسین^(ع)، در رکاب او بودن، بی‌شک مسیری جز کشته شدن ندارد. تو از جان نمی‌ترسیدی، از اینکه در راه خدا جان ندهی، می‌ترسیدی! حسین^(ع) نوه رسول خدا^(ص) بود و تو می‌دانستی که برای چه قیام کرده‌است و حق در این ماجرا با کیست.

اولش فکر می‌کردی لشکرکشی فقط برای راه ندادن امام به کوفه‌است و این تنها یک مانع است و قرار نیست اتفاق دیگری رخ بدهد.

اما...

دیدي عمر بن‌سعد برای جنگ با او و کشتنش، ثابت‌قدم شده‌است.

زهیر بن‌سلیم! تو هم خودت را مثل حر آزاد کردی، درحالی‌که پسرِت، عبدا... در لشکر این‌سعد بود و مقابل حسین^(ع).

برای پسرِت نگران بودی. کدام پدر است که به فکر سعادت دنیوی و اخروی جگر‌گوشه خود نباشد؟ تو همه تلاشت را کردی که او را هم برگردانی و سعادتش را ببینی اما... نشد و تو بارت را بستی.

شب عاشورا هم بستی.

شبی که برای خیلی‌ها سرنوشت‌ساز بود.

شاید در لشکر دشمن خیلی‌ها مانند تو تردید داشتند اما تا کشتن امام^(ع) پیش رفتند و همدست قاتلان ابا‌عبدا...^(ع) شدند. اما تو راهت را جدا کردی. تردیدت را به یقین تبدیل کردی که روبه‌روی حسین^(ع) ایستادن، نتیجه‌ای جز شقاوت و بدنامی و خشم خدا ندارد. گاهی یک‌شبه ره صدساله رفتن، شاید رؤیا باشد و دست‌نیافتنی، اما تو این راه را رفتی.

با یقین هم رفتی.

حالا اسمت در زیارت ناحیه این‌طور آمده‌است:

اَلسَّلامُ عَلٰی زَهِرِ بْنِ سَلِیْمٍ الْأَزْدِیِّ.

و تا ابد نامت جز به درود و سلام یاد نمی‌شود و این همان عاقبت‌به‌خیری‌است. زهیر بن‌سلیم در روز عاشورا در اولین حمله شهید شد.



همه آنچه باید درباره اعمال و فضیلت‌های ماه پیش‌رو بدانیم

صفرالمظفر، ماه‌عاشقان حسین(ع)

حمیده ذاکری دومین ماه قمری ما مسلمانان، ماه صفر است. این ماه از ماه‌هایی است که درباره آن توصیه‌های فراوان شده‌است. بعد از ماه محرم که برای ما شیعیان به رنگ خون امام‌حسین^(ع) درآمده‌است و یادآور اندوه و غم زیاد این فاجعه‌است، ماه صفر نیز برای ما مسلمانان، یادآور رحلت پیامبر مهربان و اخلاق‌مداران است و به‌خصوص برای ما اهالی شهر مشهد، ماه صفر رنگ‌وبوی دیگری از ماتم نیز دارد؛ چون مناسبت «چهل‌وهشتم، در این ماه قرار دارد که روز شهادت آقا و مولایمان امام‌رضا^(ع) است. باتوجه‌به این مناسبت‌ها، قبل از فرارسیدن ماه صفر به‌سراع آداب و اعمال توصیه‌شده در این ماه رفته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

● وجه‌تسمیه ماه صفر

۱. از «صُفْرَه(زردی)، گرفته شده‌است، زیرا زمان انتخاب نام، مقارن فصل پاییز و زردی برگ درختان، بوده‌است.

۲. از «صِفْر(خالی)، گرفته شده‌است، زیرا مردم پس از پایان ماه‌های حرام، رهسپار جنگ می‌شدند و شهرها خالی می‌شد.

● نحسی ماه صفر، واقعیت یا خرافه؟

در چرایی منحوس بودن ماه صفر، دلایلی ازجمله رحلت پیامبر اکرم^(ص)، شهادت امام‌حسن^(ع) و امام‌رضا^(ع) در این ماه را ذکر می‌کنند. همچنین ابتدای ماه صفر با ورود

کاروان اسرای کربلا به شهر شام، مصادف است و نیز آغاز جنگ صفین در نخستین روز صفر بوده‌است. در آیه ۱۹ سوره قمر و آیه ۱۶ سوره فصلت، روزهایی را که عذاب بر قوم عاد نازل شده‌است، به‌عنوان روزهای نحس نام برده‌اند و چون در برخی روایات اسلامی آمده‌است که مسلمانان از انجام کارهای مهم در ماه صفر، پرهیز کنند و برای دفع آفات و بلایای این ماه بسیار صدقه دهند، مسلمانان از این ماه به‌عنوان ماهی نحس و بدبین یاد می‌کنند، چون در این ماه وحی قطع می‌شود. حضرت علی^(ع) در این‌باره فرموده‌اند: «با رحلت پیامبر^(ص) چیزی قطع شد که با فوت هیچ احدی قطع نشد».

شیخ‌عباس قمی در مفاتیح‌الجنان، در بخش اعمال ماه صفر بیان کرده‌است: «بدان که این ماه(صفر) معروف به نحوست است و شاید سبب آن، واقع شدن وفات رسول خدا^(ص) است در آن، همچنان که نحوست دوشنبه به این سبب است یا به‌جهت آن است که این ماه بعد از سه ماه حرام(ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم) واقع شده که در آن سه ماه، حرب و قتال نبوده و در این ماه(صفر)، شروع به قتال می‌نمودند و خانه و منازل از اهلس خالی می‌شد، از پیامبر اکرم^(ص) روایت است که: «هر فردی بشارت پایان یافتن ماه صفر را به من دهد، من بشارت بهشت به او خواهم داد».

اعمال توصیه‌شده

دعا

در زمان دیدن هلال ماه، سه‌مرتبه بگویید:

«اَللّٰهُمَّ اكْبِرْ وَ سَمِعْتِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَ... وَ سَمِعِ بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اُذْهَبَ شَهْرٌ کَذَا وَ جَاءَ بِشَهْرٍ کَذَا،» و یکی از بهترین دعا‌هایی که می‌توان در زمان رؤیت هلال خواند، دعای چهل‌وسوم صحیفه‌سجاده‌یه است.

آنچه درباره ماه صفر مشهور است توصیه به صدقه دادن است. عملی بهتر از صدقه دادن و خواندن دعا‌های واردشده نیست و اگر می‌خواهید از بلاهای نازل شده این ماه محفوظ بمانید، چنان‌که محدث فیض و غیر او گفته‌اند، هر روز تا پایان ماه، ده‌مرتبه این دعا را بخوانید: «يَا شَدِيدَ الْغَوٰی وَ يَا شَدِيْدَ الْمِحَالِ يَا عَزِيْزُ يَا عَزِيْزُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا اِلٰهَ الْاَنْثٰ شَيْخَانِكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ فَاسْتَخِيْنُكَ لَا وَ تَجِيْنَا مِنْ الْعَمِّ وَ كَذٰلِكَ تُنْجِی الْمُؤْمِنِيْنَ وَ صَلِّیْ ا... عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ».

دادن صدقه

به غیر از صدقه‌ای که در روز اول ماه می‌توانید به نیت کل ماه کنار بگذارید، کمک کردن به دیگران و دادن صدقات مختلف در این ماه، توصیه شده‌است. پیامبر اکرم^(ص) در باب صدقه دادن می‌فرمایند: «بلخند تو بر روی برادرت، صدقه‌است. امر به‌معروف و نهی ازمنکر کردند. صدقه‌است، راهنمایی فردی که راه را گم کرده‌است، صدقه‌است و دور کردن سنگ و خار و استخوان از راه، صدقه‌است».

تلاوت قرآن کریم

برای روز اول ماه صفر، تلاوت کردن هفت‌مرتبه سوره «حمد»، توصیه شده‌است.

ختم سوره واقعه

خواندن سوره واقعه، یکی از اعمالی است که برای ماه صفر یا آداب خاص خود توصیه شده‌است. به این صورت که اگر اول ماه قمری را روز دوشنبه مصادف شد، همان روز سوره واقعه را ختم کنید. ختم سوره واقعه، یکی از ختم‌هایی است که بسیار مورد توجه‌است و بر آن تأکید شده‌است. اما در ادامه ماه به این صورت باید این سوره را خواند، روز اول ماه یک‌بار سوره واقعه، روز دوم دوبار سوره واقعه را بخوانید، روز سوم سه سوره واقعه تا روز چهاردهم، به همین ترتیب به شماره روزها، سوره واقعه خوانده شود، یعنی روز چهاردهم، چهارده سوره واقعه خوانده می‌شود. این سوره‌ها را می‌توان در طول روز و به‌مروز زمان خواند.

روزه

از اموری که بر آن در همه ماه‌ها تأکید شده‌است، سه روز روزه گرفتن است. مرحوم علامه‌مجلسی در زادالمعاد می‌گوید: «مطابق مشهور، این سه روز، پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول از دهه وسط ماه‌است».

نماز

شب اول ماه

خواندن دو رکعت نماز، به این نحو که در هر رکعت پس از سوره حمد، سوره انعام را بخوانید و سپس از خداوند متعال بخواهید که شما را از هر ترس و دردی ایمن کند.

دعاهای مأثوره، نافع است.

آیت... مکارم‌شیرازی:ایام ذاتا سعد و نحس ندارد، مگر به‌خاطر حوادثی که در آن واقع شده و لذا چون در ماه صفر سه تن از معصومین(علیهم‌السلام) چشم از جهان بسته‌اند و همچنین مشکلاتی که برای اسرای کربلا پیش آمد، ممکن است عنوان نحس به خود گرفته باشد. به‌علاوه چون ماه حرام تمام می‌شده و دوباره جنگ و نزاع در بین قیابیل عرب صورت می‌گرفته‌است، و به‌رحال می‌توان تأثیر آن‌ها را با صدقه و دعا حل کرد.

آیت... علامه طباطبایی: نحوست و سعادت ایام واردشده، بیش از این دلالت ندارد که سعادت و نحوست

به‌خاطر حوادثی دینی است که بر حسب ذوق دینی یا بر حسب تأثیر نفوس یا در فلان روز، ایجاد حسن کرده یا باعث قبح و زشتی آن شده و اما اینکه خود آن روز یا آن قطعه از زمان، متصف میمنت یا شامت شود و نکوینا خواص دیگری داشته باشد، سایر زمان‌ها آن خواص را نداشته‌باشد و خلاصه علل و اسباب طبیعی و تکوینی، آن قطعه از زمان را غیر از سایر زمان‌ها کرده باشد، از آن روایات برنمی‌آید و هر روایتی که برخلاف آنچه گفتیم ظهور داشته باشد، باید یا حمل بر تقیه کرد یا به‌کلی طرح کرد.